

چهارشنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۳ | ۲۸ رجب ۱۴۴۶

گذری بر مقالات چهارمین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی

روایت‌هایی که واقعه نگاری را اشکل می‌دهد

■ شاهد توحیدی



به همت واحد تاریخ شفاهی مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری تدوین یافته و انتشارات سوره مهر، آن را روانه بازار کتاب کرده است. تارنامای ناشر در باب موضوع این دفتر به موضوعات بی‌امده اشارت برده است: «تاریخ شفاهی، شرح و بازشناخت یک رویداد بر اساس دیدگاه، شنیده‌ها و رفتارهای شاهدان و ناظران و فعالان آن رویداد است که علی‌الاصول از طریق مصاحبه اخذ می‌شود. در این رویکرد تمایز قطعی میان زبان گفتاری و زبان نوشتاری محرز بوده و لابد و حتماً متن و اثر آن حتی در صورت مکتوب بودن، خصلت گفتاری شنیداری دارد. اگر چه تاریخ شفاهی امری چندان بی‌گذشته و حادث نبوده و نیست، اما به لحاظ زمانی و پیشینه جهانی و بومی مرتب بر آن اساساً یک رویکرد تازه و شیوه‌ای نویافته در تاریخ پژوهی است که عمدتاً واغلب در پیوند با خاطره‌نگاری مطرح می‌شود و این هر دو مقوله به معنی جدی کلمه از آن دست مفاهیمی هستند که تحت تأثیر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در ایران به ظهور رسیده و به دنبال این رویداد است که مقوله تاریخ شفاهی شکل گرفته و شناخته می‌شود. تاریخ شفاهی یک رویکرد علمی جدید در ثبت وقایع تاریخی است که در جهان امروز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. یکی از دلایل گسترش این شیوه این



است که آن سبک و سیاق تاریخ‌نگاری گذشته که مبتنی بر ارائه اسناد و اطلاعاتی عمدتاً مخدوش و نامعتبر درباره هیئت حاکمه بود و کاملاً بی‌اعتنا به وضعیت گروه‌های مختلف اجتماعی، صرفاً تنها متوجه و متمرکز بر دربار پیش می‌رفت، این رویکرد در دوران جدید یکسره از درجه اعتبار ساقط شده و قهراً و جبراً جای خود را به تاریخ زنده، گرم و دم دست طبقات گوناگون جامعه داده و این یعنی در عصر کنونی، دیگر تاریخ از آن هیبت و هیمنه فرازمندش به سطح جامعه فرود آمده و فروتنی پیشه کرده است. در چنین وضعیتی است که تاریخ شفاهی به عنوان یکی از رویکردهای تاریخی جدید در دوران پس از جنگ جهانی، مورد توجه و اقبال گسترده طیف‌های متنوع اجتماعی در سطح بین‌المللی واقع می‌شود. در کشور ما نیز وقوع حوادث تاریخی مهمی چون انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، محمل اجتماعی مناسبی برای استفاده از این شیوه تاریخ‌نگاری جدید فراهم آورد که طی آن اوج کار آمدی و توانمندی این شیوه به اثبات رسید و تاریخ‌نگاران انقلاب و جنگ تحمیلی توانستند با کاربست آن و بهره بردن از مصاحبه به مثابه کلید طلایی و ستون اصلی تاریخ شفاهی، برگی از درخشان‌ترین صفحات تاریخی کشور را رقم بزنند. در چهارمین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی که طی روزهای ۶ و ۷ اسفند ماه سال ۱۳۸۶، به همت واحد تاریخ شفاهی مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری و با دبیری علمی علیرضا کمری در تهران برگزار شد، جمعی از تاریخ‌نگاران و تاریخ‌پژوهان ضمن ارائه مباحث نظری در این خصوص به بازخوانی و نقد تجربیات عملی دو دهه گذشته پرداختند. کتاب حاضر مشتمل بر مجموعه مقالات ارائه شده در این نشست است و می‌تواند به مثابه کتابی آموزشی، مورد استفاده علاقه‌مندان حوزه تاریخ شفاهی قرار بگیرد…»

■ **انوشه میرمرعشی**

در میان تمامی فقهای اسلام و به خصوص شیعه، حرمت آهنگ غنایی و لهوی، امری کاملاً پذیرفته شده است و در آن اختلافی وجود ندارد، اما آهنگ غیر غنایی و حلال، موضوعی است که علما در طول تاریخ، در مورد آن تفاوت آرای زیادی داشته و حتی تا امروز دارند. از قرون ابتدایی ورود اسلام به ایران تا امروز، بر برخی بزرگان و علمای دینی با تفکیک آهنگ حرام و حلال و علم دانستن موسیقی، نقش مهمی را در استواری این دانش ایفا کرده‌اند. در مقال *پی آمده، نگاهی داشته‌ایم به زندگی و زمانه سه نفر از بزرگان علم موسیقی ایرانی (فارابی، ابن سینا و ارموی) که نظر به پر دازی، ابداعات دستگاهی و مقامی و تلاش‌های آنها، پایه اصلی این دانش تا به امروز بوده است. این پژوهش به مناسبت ۶۹همن روز بزرگداشت صفی‌الدین ارموی به شما تقدیم می‌شود. امید آنکه تاریخ‌پژوهان این موضوع و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.*

■ ■ ■

■ **تعریف موسیقی**

«موسیقی» یکی از زیر مجموعه‌های علم ریاضی تعریف می‌شود که در آن زمان بندی ترکیب اصوات و الحان مورد بحث قرار می‌گیرد. بر همین اساس چون موسیقی هم در دایره علوم تعریف می‌شود و دارای قاعده و قانون است و هم از این جهت که در دایره هنر نیز قرار دارد و ذوق و قریحه در آن مؤثر است، اسلام آن را به شکل تام و تمام حرام و غیر مجاز شناخته است، بلکه علما و فقهای دین با تعریف دو نوع موسیقی یعنی «موسیقی غنایی» و «موسیقی غیر غنایی».اولی را مطلقاً حرام و دومی را مجاز اعلام کرده‌اند. بر اساس آیات قرآنی: «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ^(۱)» آیه ۳۰ سوره حج و «وَمِنَ اللَّسَنِ مَن يَشْتَرِ لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ^(۲)» آیه ۶ سوره لقمان و کلام قاطع امام جعفر صادق(ع) درباره



نظری بر تاریخچه علم موسیقی ایرانی در دوران اسلامی

نابغه موسیقی که به دلیل بدهکاری در زندان جان سپرد!

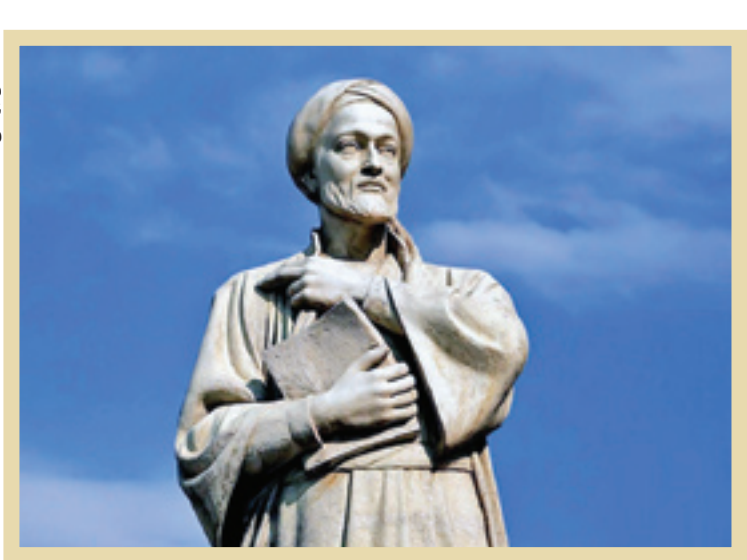
اینکه از مصادیق «قول الزور» و «لهو الحدیث» آهنگ‌های غنایی است، موسیقی‌های حرام همان آهنگ‌های غنایی قلمداد می‌شود.^(۳) یعنی آهنگ و ترانه‌هایی که در عرف، مخصوص مجالس لهو و لعب و رقص است. حال از منظر اغلب فقهای دین، بلکه همه مراجع عظام تقلید، هیچ تفاوتی نمی‌کند که این آهنگ‌سنتی باشد یا اصلاًحاً مدرن یا در مجلس عیش و طرب پخش شود یا از صاوسیمیا. در هر حال حرام و شنیدن آن گناه است.

البته در عرف، موسیقی‌ها و آهنگ‌هایی وجود دارند که حماسی، عرفانی و معنوی است و هیچ‌کس این نوع موسیقی‌ها را موسیقی‌های مخصوص به مجالس لهو و لعب نمی‌داند. از نگاه علما و تعداد زیادی از مراجع تقلید، گوش دادن به چنین موسیقی‌ها و آهنگ‌هایی مجاز است، اما یک میحت مهم در موسیقی حلال، نقش الحان در قرائت قرآن کریم است. شناخت نغمات و گوشه‌های موسیقی

دستگاهی از سوی قاریان قرآن، یکی از پایه‌های اساسی موسیقی حلال در اسلام به شمار می‌رود.^(۴)

■ **استاد برجسته علم موسیقی قرن سوم**
موسیقی مقامی و حلال در دوران تمدن طلایی اسلام، یعنی از اواسط قرن دوم تا اواخر قرن چهارم هجری قمری، رشد و بالندگی عجیبی پیدا کرد. قاریان قرآن کریم در آن دوره با تأثیرپذیری از مقامات موسیقی ایرانی و عربی‌ای که نغمات جدیدی را پدید آورده بودند، پیش از قرائت قرآن به مناجات خوانی می‌پرداختند. این مناجات خوانی‌ها که متأثر از الحان و نغمات موسیقی ترکیبی دستگاهی ایرانی و عربی بود، چنان جایگاهی در کل جهان اسلام پیدا کرد که مورد اقبال علما و دانشمندان دینی قرار گرفت و بر آن مهر تأیید زدن.

یکی از شاخص‌ترین علمای دوران تمدن طلایی اسلام که توجه ویژه‌ای به موسیقی داشت، «فارابی» بود. ابونصر محمد بن محمد طرخان، در سال ۲۶۰ هجری قمری در فاراب خراسان به دنیا آمد. پس



سینه‌ای از آثار فارابی

مشهور شدن کتاب موسیقی کبیر موجب شد تا توجه سیاستمداران فرهنگ و علم دوست به سمت فارابی جلب شود. چنانکه شاهزاده سیف الدوله حمدانی – که فرمانروایی دانش دوست و هنر پرور بود- او را به حلب دعوت و به نیکویی از فارابی در حکومتش تجلیل کرد. فارابی آنجا چنان شهرت یافت که شاگردان بسیاری از مناطق مختلف برای استفاده از محضرش به حمدان می‌رفتند و در مجالس درس او حاضر می‌شدند. سیف‌الدوله به سبب دانش و هنر فارابی، احترام و لطف خاصی نسبت به وی مبذول می‌داشت. به همین دلیل سال‌ها بعد، فارابی همراه با سیف‌الدوله به دمشق رفت تا اینکه در سال ۳۲۹ هجری قمری در دمشق دار فانی را وداع گفت و در همان شهر هم به خاک سپرده شد.^(۵)

■ **موسیقی در مانی از منظر ابن سینا**

ابوعلی سینا حکیم و طبیب بزرگ – که حدود ۵۰ سال بعد از وفات فارابی به دنیا آمد- به مباحث مربوط به فلسفه موسیقی و کارکردهای آن توجه ویژه‌ای داشت. او در پنج کتاب خود یا به شکل کامل یا به صورت مقاله و اشاره‌وار به بحث موسیقی پرداخته است اما می‌توان گفت اصلی‌ترین اثر وی درباره موسیقی در بخش «جوامع موسیقی» کتاب شفا آمده است. ابن سینا در این اثر و طی شش مقاله، ضمن بحث از نغمات، تقلید ايقاع از زبان، موصل و مفصل‌های اصوات، نقش اعداد در موسیقی به تأثیر شعر و وزن در موسیقی نیز پرداخته است. او در این کتاب آلات موسیقی را به سه دسته «زهی»، «بادی» و «کوبشی» تقسیم می‌کند و در زمینه موصل (اتصال دهنندگان) و مفصل (جدانگندان) اصوات در موسیقی، توضیحات کامل و جامعی را بیان داشته است.

ابن سینا مانند فارابی، موسیقی را زیر مجموعه‌ای از علم ریاضی می‌دانست، اما جالب است که کارکردهای دیگری هم برای موسیقی قائل بود. یکی از آن کارکردها تأثیرات موسیقی بر درمان بیماران بوده است. ابن سینا در کتاب قانون بر تأثیر موسیقی بر ضربان نبض اشارات جالبی دارد و بیان می‌دارد که موسیقی و نغمات خوش، می‌تواند ضربان نامتوازن نبض را بهبود بخشد. وی همچنین اظهار می‌دارد که موسیقی در درمان بیماری‌های روان و برخی بیماری‌های جنسی، اثرات مهمی دارد. ابن سینا در بخش موسیقی کتاب قانون به تأثیر نغمه‌ها و ریتم‌های موسیقایی در تعادل پریشانی‌های روان اشاره می‌کند. همچنین توضیح می‌دهد که لالایی برای نوزادان و موسیقی و آواز برای اعتدال مزاج و رشد صحیح و سالم آنها بسیار مؤثر است.^(۶)

■ **ارموی، نابغه موسیقی**

یکی از نواع موسیقایی ایرانی که در قرن هفتم زندگی می‌کرد، صفی‌الدین ارموی است. جایگاه او در علم موسیقی چنان برجسته است که شهرتی عالمگیر دارد. نام کامل این دانشمند، «صفی‌الدین عبدالمومن بن ابی الفخار یوسف بن فخر ارموی» است که در سال ۶۱۳ هجری قمری در ارومیه به دنیا آمد. وی بعد از کسب علوم مقدماتی در موطن خود، راه سفر در پیش گرفت و درحالی‌که در ابتدای جوانی قرار داشت، برای ادامه تحصیل به بغداد رفت. ارموی در مدرسه مستنصریه بغداد، به آموزش علوم مختلف پرداخت و توانست موفقیت‌های زیادی در فهم دانش‌های گوناگون به دست آورد. او به تبحر ویژه در رشته‌هایی چون فقه، ریاضیات، ادبیات عرب، شعر و عروض، خوشنویسی و امور دیوانی مهارت زیادی پیدا کرد، اما قطعاً علاقه و تخصص وی در علم موسیقی، از بقیه علومی که در آن تبحر داشت، از شهرت و معروفیت بیشتری برخوردار است. او در زمینه موسیقی به تألیف چندین کتاب پرداخت که حتی تا به امروز از منابع مهم درسی بسیاری از دانشگاه‌های جهان محسوب می‌شود. کتاب‌های وی با نام‌های: «الادوار فی الموسیقی»، «الرساله شرفیه فی علم النسب و الاوزان الاناقیه»، «رساله یقاع»، «الکافی من الشافی فی علوم العروض والقوافی» و «فائده فی العلم الموسیقی» از بهترین کتب پایه‌ای در علم موسیقی است.^(۸)

صفی‌الدین ارموی مانند فارابی و ابن سینا، موسیقی را علم می‌دانست. او اولین کسی است که آهنگ‌ها را با حروف الفبا و عدد نوشت. وی به این وسیله توانست نغمه‌هایی را که سابقاً از راه گوش و سینه به سینه نقل می‌شد روی کاغذ ثبت کند. همچنین ارموی برای نخستین بار، ۱۲ مقام موسیقی را به صورت نظام‌مند راورد و آن را در قالب آوازا، بخش‌ها و شعبه‌های مختلف تقسیم کرد. از آنجا که ارموی در نواختن آلاتی چون عود و ارغنون بسیار زبردست بود، خلیفه عباسی توحیحی ویژه به او پیدا کرد. مستعصم او را به دربار خود وارد کرد و مقرری سالانه ۵هزار دیناری برایش در نظر گرفت. در این دوره شاگردان زیادی از محضر او استفاده کردند. شاگردانی چون: «شمس‌الدین احمد بن یحیی سهروردی»، «جمال‌الدین واسطی»، «نظام‌الدین بن حکم»، «حسن زامر» و دیگران. پروتقی روزگار ارموی در دربار خلیفه ادامه داشت تا حمله مغولان به بغداد پیش آمد و خلیفه المستعصم به دست هلاکوخان به قتل رسید. پس از آن صفی‌الدین به خدمت خاندان جوینی از وزرای هلاکو در آمد. عطا ملک جوینی که از تبحر ارموی در علوم مختلف از جمله موسیقی مطلع شده بود، پسران خود و برادرزاده‌اش خواجه هارون را برای آموختن

روزنامه جوان | شماره ۲۲۲۱

خوشنویسی، موسیقی و بعضی آداب و علوم و فنون، نزد صفی‌الدین فرستاد و در ضمن ریاست دار الاشاء بغداد را هم به وی سپرد! عطاءالملک همچنین غیر از مقرری که برای صفی‌الدین در نظر گرفت، از او حمایت‌های بسیاری کرد و وی را بزرگ داشت. به همین دلیل وضعیت زندگی ارموی، در دوران هلاکو نیز پرخیر و پررونق گذشت، اما بعد از دوران هلاکو و روی کار آمدن «اباقا خان» (۶۸۰- ۶۶۳ ق) که پایتخت به شهر تبریز منتقل شد و دوران حکمرانی و وزارت جوینی رو به پایان رفت و خواجه شمس‌الدین صدراعظم اباقا خان شد، صفی‌الدین از بغداد به تبریز رفت. خواجه شمس‌الدین نیز مانند جوینی، او را گرامی داشت و حمایت‌های زیادی از وی کرد. در همین دوران بود که مؤلف کتاب قنوات الوفیات در سال ۶۸۹ ق با صفی‌الدین در تبریز ملاقات داشت و شرح حال او را مفصل نوشت و در کتابش ثبت کرد، اما ستاره بخت ارموی در آخر عمر رو به افول رفت؛ زیرا بعد از قتل خواجه شمس‌الدین در اهر، دیگر وزرای دربار مغولان او را از دربار طرد کردند و وی در دوره پسران و ناتوانی به سختی معیشت زیاد دچار و حتی بعد از مدتی به افراد زیادی مقروض شد! این مقروض بودن چنان زیاد شد که در نهایت با شکایت یکی از طلبکارانش و ناتوانی در پرداخت دین خود، به زندان افتاد و در نهایت در ۱۸ صفر سال ۶۹۳، در زندان درگذشت.^(۹)

■ **کلام آخر**

باید در نظر داشت که مباحث مربوط به علم موسیقی، موسیقی حلال و حرام در روزگار ما همچنان از مباحث بسیار مهم تلقی می‌شود. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای(دام‌طله)، در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۷۷، ش و در دیدار با تعدادی از جوانان در پاسخ به سئوالی درباره موسیقی فرمودند: «موسیقی اگر انسان را به بیکارگی و ابتذال و بی حالی و واخوردگی از واقعیت‌های زندگی و امثال اینها بکشانند، این موسیقی، موسیقی حلال نیست، موسیقی حرام است. موسیقی اگر چنانچه انسان را از معنویت، از خدا و از ذکر غافل کند، این موسیقی حرام است. موسیقی اگر انسان را به گناه و شهواترانی تشویق کند، این موسیقی حرام است، از نظر اسلام این است. موسیقی اگر این خصوصیات مضر و موجب حرمت را نداشته باشد، البته آن وقت حرام نیست. اینهایی را که من گفتم، بعضی از آنها در موسیقی بی کلام و در سازهاست، بعضی هم حتی در کلمات است، یعنی ممکن است فرضا یک موسیقی ساده بی‌ضرری را اجرا کنند، لیکن شعری که در این موسیقی خوانده می‌شود، شعر گمراه‌کننده‌ای باشد، شعر تشویق کننده به بی بندوباری، به ولنگاری، به شهواترانی، به غفلت و این طور چیزها باشد، آن وقت حرام می‌شود. بنابراین آن چیزی که شاخص حرمت و حلیت در موسیقی است و نظر شریف امام هم در اواخر حیات مبارکشان – که آن نظریه را در باب موسیقی دادند – به همین مطلب بود، این است. موسیقی لهوی داریم، ممکن است موسیقی – به اصطلاح فقهی‌اش – موسیقی لهوی باشد. لهو یعنی غفلت، یعنی دور شدن از ذکر خدا، دور شدن از معنویت، دور شدن از واقعیت‌های زندگی، دور شدن از کار و تلاش و فرو غل்தیدن در ابتذال و بی بندوباری. این موسیقی می‌شود حرام. اگر این با کیفیت اجرا حاصل بشود، اگر با کلام حاصل بشود، فرقی نمی‌کند... بنابراین در مورد موسیقی نمی‌توان گفت به طور مطلق حرام را حلال است. در صورتی که شما کارتان تنها منحصر به موسیقی حلال باشد، خوب اشکال ندارد و می‌تواند با دینداری نیز جمع شود، ولی در صورتی که بخواهید قسم حرام آن را با دینداری جمع کنید، خوب می‌دانید که نمی‌شود. البته در زمینه موسیقی باید توجه داشته باشید که حتی در قسم حلال آن نیز نباید اقراط کرد، چون ممکن است آثار زیانباری بر لحاظ روانی داشته باشد که به مرور زمان آشکار می‌شود. اگر زندگی موسیقیدان‌های بزرگ را مورد مطالعه قرار دهید، خواهید دید که بسیاری از آنها دچار چنین مشکلاتی بوده‌اند...»^(۱۰)

منابع:

- ۱- دوری کنید از سخنان بیهوده و غنا
- ۲- از مردم کسانی هستند که سخنان بیهوده و غنا را می‌خرند که ایشان را از راه خدا گمراه کنند.
- ۳- وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۳۱۰
- ۴- رجب‌پور، محمدرضا، «نگرشی به مبانی فقهی موسیقی»، انتشارات عابد، چاپ اول ۱۳۷۹. ش. صفحات ۵۶ تا ۵۹، ۷۴، ۷۵ و ۱۸۹
- ۵- آهسته- روحانی فرد، محمود- معصومه، مقاله «سماع و موسیقی عرفانی در اندیشه فارابی»، فصلنامه عرفان اسلامی، شماره ۵۳، مورخ تابستان ۱۳۹۷. ش
- ۶- فارابی، ابوالنصر، «موسیقی کبیر»، ترجمه دکتر مهدی برکشلی، انتشارات سروش، چاپ دوم ۱۳۹۴. ش. بخش مقدمه
- ۷- مومنی، مصطفی، مقاله «موسیقی و نقش درمانی آن از دیدگاه ابن سینا»، ویژه‌نامه نخستین همایش ملی هنر و سلامت، زمستان ۱۳۹۷. ش
- ۸- نگرشی به مبانی فقهی موسیقی، ص ۱۹۹ تا ۲۰۱
- ۹- خورابه، کاوه، مقاله «صفی‌الدین ارموی، اندیشور و موسیقیدان قرن هفتم»، شماره ۷۷ و ۷۸، مورخ بهمن و اسفند ۱۳۸۳. ش
- ۱۰- https://farsi.khamehni.ir/speech-content?id=۳۲۷۷